



● اجازه دهید من یکی گول این فیلمفارس‌ی آلترناتیو را نخورم. نه برای داستان سبکسرانه‌اش کف بزخم و نه تحت‌تأثیر عشق دروغینش اشک بریزم و نه شعارهای بی‌درپی و بی‌انتهایش، حس وطن‌پرستی‌ام را تحریک کند. فیلم تازه «محمدحسین مهدویان»، فرسنگ‌ها با آنچه به «سینما» درمی‌آید فاصله دارد و یک «فیلمفارس‌ی» امروزی خوش‌رنگ‌ولعاب است با حرف‌ها – یا شعارهایی– رادیکال که همین امر هم موجب دست و جیب و هواری بسیاری شده است. چرا فیلمفارس‌ی؟ مگر در فیلم‌های موسوم به این عنوان با الگوی مرسوم و ترکیبی ملودرام، کم‌دی‌ماتیک و بزنبزن با مضامین کلیش‌های مثل رفاقت، خیانت، انتقام و… طرف نبودیم؟ خب این فیلم هم که دقیقاً بر اساس همین الگو شکل گرفته و فقط جای آوازخوانی «ایرج» - به علت کپولت سن- با «روزبه بمانی» عوض شده که اتفاقاً اگر تکنیک آوازخوانی آن پیرمرد آواز ایران، کام‌ها از موسیقی زمانه خود جلوتر بود، ترا نه «روزبه بمانی» بیشتر شبیه به آوازخوانی یک کودک دبیرستانی در حین فراق می‌مانست، اما بیاییم «لاتاری» را دقیق‌تر بررسی کنیم:

«لاتاری» ترکیب سه نوع فیلم است و سه جهان‌بینی متفاوت - و غیرقابل ترکیب - که حاصل کار، اثری شوریده‌حال از کار درآمده و درهم. عاشقانه فیلم، همان کلیشه معروف عاشق بی‌پول و خواستگار میل پرست پولدار و پدرزنی پول‌دوست است و معشوقی که برای جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده تن به اسکناس می‌دهد و از عشق می‌چهد - که در بسیاری از فیلمفارس‌ها شاهدش بوده‌ایم و حالا این کلیشه میان‌مایه قرار است محرک یک پیرنگ بزنبزن - و نه اکشن- بشود (که اکشن قواعد خاص خود را دارد). ضمن اینکه ورود به فصل فرقت یار، آغاز آواز پرسوزوگداز مرسوم فیلمفارس‌ی است و پسر عاشق - چون «رضا موتوری»- ترک موتور - و با خوانندگی ناتوانده- اشک می‌ریزد و عده‌ای نیز دچار افسون پنهانی ابتلالش می‌شوند. بزنبزن داستان نیز وامدار «قیصر» است. هم در نوع روایت و هم در تفکر و «هادی حجازی‌فر» در این بخش، نقش «فرمون» مدرن و متمدن را ایفا کرده که به‌جای فریاد «قیصر، کجایی که دأاشت رو کشتن»، آرام و متین، «قیصر» نزار فیلم (ساعد سهیلی) را به انتقام تشویق می‌کند- واقعا سینمای ما در این ۳۰ سال چقدر پیشرفت کرده!

بخش انتهایی فیلم شدیداً متأثر از «آژانس شیشه‌ای» است؛ همان حدیث نفس قدیمی «مربیان دوره گذشته» و همان قهرمان‌پروری‌هایی که با شعار و اشک و جلب ترحم تماشاگر صورت می‌گیرد، نه از طریق رفتار قهرمانانه کاراکترها. در طول فیلم نیز مدام شاهد دعوای «حاج‌کاظم» (حجازی‌فر) و «سلحشور» (فرخ‌نژاد) خواهیم بود که اولی با خودکار دولتی، امضای شخصی نکرده (!) و دومی محافظه‌کاری را به «قیصر» بازی ترجیح می‌دهد- همانند نگاهان سلحشور محافظه‌کار در کسوت مامور ۰۰۷ مغز بذهن فیلمفارس‌ی داستان را متلاشی می‌کند و بیترک‌بار - و بدون تمهیدات شخصیت‌پردازی و عدم نمایش سیر تحول شخصیت- قهرمان می‌شود. پس از این صحنه بزنب‌ویکوب و در راستای خالی‌نماندن عریضه، قضیه شوخی با «خلیق‌فارس» نیز مجدداً فضا را به کم‌دی بازمی‌گرداند که جنس فیلمفارس‌ی‌مان جور شود. نام فیلم را هم «لاتاری» می‌گذارند و نمایی کوتاه را به رئیس‌جمهور وقت آمریکا اختصاص می‌دهند تا بی‌دلیل و بدون منطق داستانی و به صورت مستلیمی ندای مرگ بر آمریکا سر دهند. به نظر می‌رسد «لاتاری» سینما را با جاهای دیگر اشتباه گرفته و دندان تماشاگر را می‌شمارد و مدام «می‌شعارد»، اما به نظر می‌رسد که وضع کارگردانی فیلم وخیم‌تر است:

کارگردانی فیلم هیچ ارتباطی با داستان ندارد و متن یک رابطه سینمایی با نوع تصاویر برقرار نمی‌کند. به بیان دیگر، جنس کارگردانی «لاتاری»، نمی‌دهد یک ملودرام، بلکه این نوع از کارگردانی برای درام‌هایی خاص طراحی شده؛ مثل فیلم خوش‌ساخت «ماجرای نیمروز». تصاویر در «لاتاری» با آن دوربین‌روی دست متحرک و حرک‌های «زوم» به جلو و عقب و ضبط تصاویر از لابه‌لای اشیاء، تکه‌هایی از یک گزارش یوده و زاویه دید، سوم‌شخصی است غایب؛ درصدد تهیه گزارش اما آیا داستان این‌چنین است و کسی مشغول ثبت صحنه‌هایی از زندگی کاراکترهاست؟ خیر و به همین خاطر هم هست که «لاتاری» نه یک فیلمفارس‌ی معمولی‌که یک فیلمفارس‌ی آلترناتیو است و بر چهره پرچین‌وچروکش، نقاب گذاشته؛ نقاب دوربین‌بازی امروزی. درواقع گزینش این جنس از کارگردانی خطراتی دارد و مهم‌ترین خطرش این است که هرگونه داستانی را نمی‌توان از صافی این نوع تصویربرداری عبور داد و باید قصه‌هایی را یافت که جزبه ژانرپالیست‌ی داشته باشند که متن «لاتاری» چنین نیست. «لاتاری» به‌عنوان تازه‌ترین اثر «محمدحسین مهدویان»، یک تجربه شکست‌خورده در کارگردانی و یک اتفاق ناگوار است در متن و شاید تنها چیزی که موجب دیدن فیلم تا انتها می‌شود، تماشا‌ی چهره کاریزماتیک آقای بازیگر این روزهای سینماست: «هادی حجازی‌فر».

بهناز شیربانی: ۱۱ سال از زمانی که یکی از کارگردان‌های خوب سینمای ایران، رسول ملاقلی‌پور، را از دست دادیم می‌گذرد؛ نامی که بیش از هر چیز با ساخت آثار دفاع مقدس گره خورده است. بسیاری که تجربه کارکردن با او را داشته‌اند، از دغدغه‌مندبودن او در ساخت چنین آثاری صحبت می‌کنند و اینکه با تمام قدرت و توانش در زمینه سینمای جنگ کار می‌کرد. فرهاد اصلانی از جمله بازیگرانی است که تجربه همکاری با زنده‌یاد ملاقلی‌پور را در فیلم «سفر به جزایه» تجربه کرده است. شنیدن خاطره همکاری با او و چگونگی ساخت این آثار از زبان او خالی از لطف نیست که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

✎ «سفر به جزایه» همان‌طور که یکی از آثار درخشان کارنامه زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور است، از کارهای ماندگار شما هم محسوب می‌شود و هنوز هم دیدنی است. از تجربه کارکردن با رسول ملاقلی‌پور صحبت کنیم و ویژگی‌ای که به‌عنوان بازیگر در آثار او دیدید.

به اعتقاد من رسول ملاقلی‌پور متأثر از جریان جنگ بود. اساساً به شکل وظیفه به این موضوع نگاه می‌کرد و در موردش حرف می‌زد و فیلم می‌ساخت. همان‌طور آثاری که در سینمای جنگ ساخت، موفق بود و به یادگار ماند. شاید پررنگ‌ترین نکته‌ای که از کارگردانی او در خاطرم می‌ماند، شهودبودن او در ساخت فیلم‌هایش بود. با قدرت و اعتمادبه‌نفس کافی کارش را آغاز می‌کرد و پیش می‌برد. می‌دانست از ساخت فیلم‌هایش چه منظور و هدفی را دنبال می‌کند و در نهایت تکلیفش با خودش روشن بود. «سفر به جزایه» تجربه ویژه و خوبی برابیم بود. حضور در این فیلم نه‌تنها تجربه در بازیگری را برایم بیشتر کرد، بلکه شناختم از جنگ و فضای دفاع مقدس را بیشتر کرد. ✎ فضای کار برای بازیگر در آثار ملاقلی‌پور چطور بود؟

هنر

گفت‌وگو با فرهاد اصلانی به مناسبت سالمرگ رسول ملاقلی‌پور

متأثر از جریان جنگ بود



عکس: ژانفره رستمی/شرق

بازیگری که کارش را بلد بود، ارزش زیادی قائل می‌شد. به‌هرحال شرایط ساخت فیلم با الان متفاوت بود و فیلم‌برداری نکاتیو انجام می‌شد.

انصافاً قدر بازیگر را می‌دانست، لحن کاملاً متفاوتی داشت، شاید کمی عصبی بود، اما به‌شدت آدمی احساس‌ی بود و برای عواملش، خصوصاً

گزارشی از اجراهای نوروزی تالارهای تهران

از «جعفر خان از فرنگ‌برگشته» تا «غول بزرگ»

رضا آشفته

خواست تا پیش از آنکه آن نمایش آماده شود، در ایام نوروز «خواستگاری» را اجرا کنم.

او با بیان اینکه داستان اصلی این اثر تغییراتی نداشته است، عنوان کرد: نمایش‌نامه آنتوان چخوف حدود نیم‌ساعت است که من آن را اپرانیزه کرده و در زمان یک‌ساعت و ۴۰ دقیقه اجرا می‌کنم. نمایش فضایی ایرانی دارد و از آیین‌هایی مانند تعزیه، تخت‌حوضی و نقالی در آن بهره گرفته شده است.

هملت و دون کیشوت

نمایش «هملت و دن‌کیشوت» به کارگردانی تاجبخش فناثیان، اجرای خود را پس از تمرینات متعددی در سالن اصلی تئاتر شهر آغاز کرده و در ایام نوروز هم ادامه خواهد داشت.

بازیگران کار کاظم بلوچی، سیامک صفری، امیر کربلایی‌زاده، کوروش سلیمانی، شیوا خسرومهر، بهناز نادری، وحید نفر، بهرام بهبهانی، امیرحسین سرداریان و… هستند.

در خلاصه داستان این نمایش آمده است: هملت از فرط ترس و اندوه، دیوانه شده! حالا هم دیوانه دیگری پیدا کرده که شهواسازی! این شهسوار عجیب دستیار یا مهرتر دیوانه‌تری نیز به‌همراه دارد! یکی از آنها در پی انواع قربانیان است تا از آنها حمایت کند، دیگری از بی او روان و منتظر است تا سرورش جزیره یا کشوری را تسخیر کند و به او بدهد! قضیه اصلاً جدی نیست!! این نمایش ساعت ۱۹:۳۰ در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود.

دیوتات

شنم قلی‌خانی، بازیگر سینما و تاتر به نمایش دیوتات، به نویسندگی دیومیتری پساتهاس و کارگردانی اتابک نادری پیوست که برای سومین‌بار در فروردین ۹۷ به تغییر در ترکیب بازیگران روی صحنه می‌رود. این نمایش براساس نوشته دیومیتری پساتهاس با ترجمه کریم عظیمی و دراماتوزی محمد نادری اجرا می‌شود.

پس از دو بار اجرای موفق کار در ایوان شمس در سال ۹۵، اتابک نادری برای سومین‌بار این اثر نمایشی را در نوروز ۹۷ در پردیس تئاتر شهرشزاد به صحنه می‌برد.

نمایش دیوتات داستان یک نماینده مجلس یونان در شهر آتن است که برای خلاص شدن از شر رای‌دهندگانش تصمیم به استخدام یک رئیس دفتر خیره می‌گیرد و…

فتوحات گلشیری

نمایش فتوحات گلشیری به دراماتورژی مجتبی کریمی و کارگردانی یوسف بابیری از روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته و در ایام نوروز همچنان ادامه خواهد یافت. فتوحات گلشیری براساس داستان‌های کوتاه هوشنگ گلشیری شکل گرفته که به دست مجتبی کریمی دراماتورژی شده است.

این نمایش کولازی از ۱۲ داستان کوتاه گلشیری است که در پروسه‌ای



نکاتیو باید به لابراتوار می‌رفت و ظاهر می‌شد، اما درحال‌حاضر فیلم‌برداری دیجیتال کار را ساده‌تر کرده است. مونتاژ هم زمان فیلم و کارهایی که برای کیفیت آثار به‌لحاظ فنی انجام می‌شود زمان کمتری نیاز دارد. اما کار با نکاتیو ویژگی‌هایی داشت؛ مثل اینکه کارگردان قطعاً با دکوپاژ باید سر صحنه حاضر می‌شد و همه چیز باینرنامه‌تر پیش می‌رفت، اما انکار درحال‌حاضر همه‌چیز بداهه پیش می‌رود.

✎ **خاطره‌ای از زمان ساخت «سفر به جزایه» به یاد دارید؟**

این خاطره همیشه در ذهنم از زمان ساخت فیلم در خاطرم مانده است که در مورد پروانه ساخت این فیلم مشکل داشت، رسول ملاقلی‌پور با فاصله کمی «سفر به جزایه» و «نجات‌یافتگان» را ساخت. با پروانه ساخت سفر به جزایه فیلم نجات‌یافتگان را ساخت و با پروانه ساخت نجات‌یافتگان که دیرتر صادر و به‌سختی با آن موافقت شد، سفر به جزایه را ساخت. همه ما در «سفر به جزایه» حال عجیبی را تجربه کردیم و همه چیز خوب بود. باید یادی کنم از پیمان سنندجی‌زاده که در زمان ساخت این فیلم چهار سانه‌شد و تصادف کرد و متأسفانه او را از دست دادیم؛ بازیگر خوبی که می‌شد آینده خوبی را برایش متصور بود.

✎ **شما در دوره‌ای در سینما و تئاتر کار در فضای جنگ و دفاع مقدس را تجربه کردید. شرایط امروز سینما را در این زمینه چطور می‌بیند؟**

معتمد پیش از این سینمای جنگ محتوایی داشت که برای مخاطب جذاب بود، هرچند که آن زمان هم مثل امروز سخت‌گیری‌ها در مورد ساخت فیلم دفاع مقدس وجود داشت، اما انکار کارگردان‌ها در زمینه ساخت چنین آثاری دردمندتر بودند و دغدغه بیشتری داشتند و آثار محتوای بهتری داشتند. این روزها همه‌چیز تکنیکال‌تر شده است. این به‌هیچ‌وجه بد نیست، اما قطعاً می‌توان به محتوای ساخت این فیلم‌ها هم نگاه ویژه‌تری داشت.

تحقیقی انتخاب شده و به اعتقاد یوسف بابیری این نمایش یک تجربه است و نمی‌اند که چقدر شبیه جهان گلشیری یا چقدر شبیه جهان ماست. بابیری می‌گوید: گلشیری یکی از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات ماست که در داستان‌نویسی خود، توجه ویژه به فرم و تکنیک داشته است. ما در یک پروسه چندماهه همه آثار گلشیری را خواندیم. البته برای خود محدودیت‌هایی نیز قائل شدیم؛ نظیر اینکه فقط از میان داستان‌های کوتاه گلشیری آثاری را انتخاب کنیم و رمان‌ها را از این انتخاب کنار بگذاریم.

این کارگردان تئاتر درباره وجه مشترک ۱۲ داستان کوتاه انتخاب‌شده گفت: ما سعی کردیم داستان‌های کوتاه گلشیری را بنا بر علاقه شخصی انتخاب کنیم و قصدمان این نبود که انتخاب‌ها به شکلی شود که داستان‌ها رابطه موضوعی با هم داشته باشند. در اصل ما به دنبال منطقی در اجرا بودیم تا منطقی در داستان‌ها. او یادآور شد: از ۱۲ داستان منتخب در کنار هم کلاژ و جهان جدیدی حاصل شده است. اینکه این جهان تئاتری چه نسبتی با گلشیری دارد، برای ما هم جای سؤال است و درین‌حال از این بابت جذاب است که ببینیم بازخورد مخاطبان و منتقدان با این جهان به‌وجودآمده چیست. عباس جمالی، بهار کاظمیان و فرانہ میدانی و مریم نورمحمدی به‌عنوان بازیگر در این نمایش حضور دارند.

نمایش فتوحات گلشیری به کارگردانی یوسف بابیری از روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۲۰ با زمان ۶۰ دقیقه اجرا می‌شود.

هنر

نمایش هنر، نوشته یاسمینا رضا و به کارگردانی وحید رهبانی اجراهای خود را در ایام نوروز ادامه می‌دهد.

این نمایش از بهمن اجرای‌های خود را در پاییز آغاز کرده است.

در این اثر نمایشی که مترجم آن نیز وحید رهبانی است، داریوش فرهنگ، امید روحانی و محسن حسینی ایفای نقش می‌کنند.

در خلاصه داستان نمایش آمده است: خرید یک تابلوی نقاشی سبب‌ساز

اختلاف بین سه دوست قدیمی می‌شود….

غول بزرگ مهربان

عموهای قبیله‌ای پس از موفقیت در اجرای نمایش «چتر سفید»، عید ۹۷ را با اجرای نمایش «غول بزرگ مهربان، به نویسندگی مریم کاظمی آغاز می‌کنند. نمایش غول بزرگ مهربان برای اجرا در روز جهانی تئاتر آماده می‌شود و قرار است در آن حمید گلی، علی فروتن و هومن رهنمون در کنار حسین محب‌آه‌ری و مریم کاظمی روی صحنه بروند. نمایش غول بزرگ مهربان قرار است از ۶ فروردین ۹۷ و هم‌زمان با راوز جهانی تئاتر اجرای عمومی خود را در مجموعه آسمان (زغفرانیه) آغاز کند. این نمایش نوشته دیوید وود و ترجمه حسین فدایی‌حسین است که در گروه تئاتر مستقل تولید شده و در آن بازیگرانی مانند حسین محب‌آه‌ری، مریم کاظمی، جواد اعرابی، میترا کریم‌خانی، پریسا فلاح‌زاده، نازنین صفا، عرفان میدانلو، سعید قره‌داغلی، مه‌راد زمانی، هاید میرسین‌زاده، فاطمه خداینده‌لو، حسام کلازتری و هنرجویان کودک و نوجوان به ایفای نقش می‌پردازند. کاظمی در این نمایش از تکنیک زنده عروسکی، ماسک و عروسک‌های باتومی سهیلا باجلان استفاده کرده است. طراح دکور رضا مهدی‌زاده، طراحی لباس لادن نصراللهی، زهرا بدایع‌آبادی، انتخاب موسیقی، افکت نورالفرید فریدن‌نوائی، طراح نور علی‌اشرف سمانی و دستیاران کارگردان مه‌راد زمانی و مدیران صحنه پانته‌آ صفامنش، شقایق اصلانی، پرنیا غفرانی، فرید تجویدی و سلا‌ه رستمی هستند.

غول بزرگ مهربان داستان دختری یتیم به نام سوفی است که روده و به سرزمین غول‌ها برده می‌شود. او در آنجا با یک غول بزرگ دوست می‌شود که برخلاف دیگران مهربان است و قصد آزار آدمیان را ندارد….

خبر ویژه

تاهفت خانه آنتورتر چیزی نماده است

صابر ابر میهمان ۱۰۰ مادر بزرگ



● **گروه هنر:** پروژه فرهنگی، هنری صابر ابر با نام «تا هفت خانه آنتورتر» که از فروردین‌ماه ۱۳۹۶ کلید خورده بود، وارد مراحل پایانی شد. این پروژه با رونمایی کتابی نفیس، نمایش سریال مستند و برپایی نمایشگاه هنری در آینده نزدیک همراه خواهد بود. «تا هفت خانه آنتورتر» که بر اساس طرح مشترک صابر ابر و آرش صادقی اجرا شده است، به روایت زندگی مادر بزرگ‌هایی از گوشه‌وکنار ایران و با تأکید بر آشپزی ایرانی می‌پردازد. صابر ابر، بازیگر و کارگردان سرشناس سینما و تئاتر، در این‌باره گفت: «برای این پروژه صد مادر بزرگ از اقوام مختلف ایرانی و شهرهای گوناگون، برای آشپزی و معرفی یک غذای بومی انتخاب شدند، اما آشپزی تنها هدف این پروژه نبوده؛ بلکه بهانه‌ای برای پرداختن به فرهنگ آداب و رسوم اصیل خانواده‌های ایرانی و پاسداشت مقام مادر بزرگ بوده است. از میان صد مادر بزرگی که تصاویرشان ثبت و ضبط شد، روایت ۲۰ نفر در فیلم‌هایی مستقل و به صورت سریالی به نمایش درخواهد آمد. در این فیلم‌ها، گفت‌وگوهایی با مادر بزرگ‌ها هنگام طبخ غذا صورت گرفته و در کنار آشپزی، درباره خانه و کاشانه، علایق، سلیاق، خاطرات و عواطفشان نیز صحبت‌هایی به میان آمده است. در نهایت نیز هر یک از مادر بزرگ‌ها، شینی از آشپزخانه‌شان را به رسم یادگار به برنامه اهدا کردند که قرار است در یک نمایشگاه هنری به نمایش گذاشته شوند». صابر ابر همچنین درباره تجربه خود از این پروژه فرهنگی، هنری گفت: «ما به این بهانه به گوشه‌وکنار ایران سفر کردیم، به خانه مادر بزرگ‌ها رفتیم، خانه‌هایی متفاوت در مکان‌هایی متفاوت و با سلیقه‌هایی متفاوت، اما همگون و با یک ریتم آشنا. همه پذیرای ما شدند و زندگی امروز خود را در نهایت مهر با ما تقسیم کردند؛ انسان‌های نازنینی که شاید هرگز زمانی برای صحبت‌کردن با جامعه خود پیدا نکردند؛ زمانی برای سفرکردن به آنها داده نشد و شاید حتی هیچ‌وقت پا از محل تولدشان بیرون نگذاشتند. به عقیده من، پروژه «تا هفت خانه آنتورتر» و بهانه آشپزی، نگاهی ساده و بی‌برده به هنری بزرگ دارد که کار هر کسی نیست؛ هنری که به‌سرعت در حال فرواموشی است. نام این هنر زندگی است و بس!». امین دوائی، مدیر پروژه و مجری طرح «تا هفت خانه آنتورتر»، با اشاره به مراسم رونمایی از کتاب این پروژه در اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ گفت: «این پروژه فرهنگی، هنری قرار است در قالب ابزارهای مختلفی ارائه شود. علاوه‌بر انتشار یک کتاب نفیس دوزبانه و تصویری، ۲۰ فیلم مستقل از سفرها و تجربیات حاصل از زندگی، آشپزی و شیوه زندگی مادر بزرگ‌ها نیز ساخته شده است». وی با اشاره به اهمیت پاسداشت میراث فرهنگی اقوام ایرانی و حفظ و ثبت آنها برای انتقال به نسل‌های آینده گفت: «باور داریم که خروجی‌های این پروژه به همین‌جا ختم نمی‌شود، چراکه تکثیر داستان‌های زندگی مردم در جای‌جای ایران عزیزمان، خود داستان‌های دیگری را در پی خواهد داشت و اثرات معنوی آن بیش از اینها خواهد بود. تلاش خواهیم کرد سفیر و پیغام‌رسان صدا و تصویر بخش کوچکی از فرهنگ والای ایرانیان باشیم و در این راستا تلاش خواهیم کرد با همکاری نهادهای ذی‌ربط برای ثبت روز ملی مادر بزرگ و همچنین ثبت ذائقه و غذاهای ایرانی نیز اقدام کنیم».

نگاه

نمایش ۶ فیلم کارستان در مونیخ

● **گروه هنر:** شش مستند مجموعه کارستان «شاعران زندگی» که کارگردانی شیرین برق‌نورد، «پازلی‌ها» به کارگردانی مهدی گنجی، «مادر زمین» به کارگردانی مهناز افضلی، «طبرستانی‌ها» و «بنیان‌گذار محک» به کارگردانی محسن عبدالوهاب و «پنبه تا آتش» به کارگردانی بهرام عظیم‌پور و تهیه‌کنندگی مجتبی میرتھاماسب، در دومین جشنواره فرهنگی ترمه نمایش داده می‌شوند. این جشنواره تلاش دارد تا با به‌نمایش‌گذاشتن جلوه‌های مغفول‌مانده یا کمتر دیده‌شده فرهنگ و هنر ایران، بالاخص در نمای بین‌المللی، در حد امکان تصویر جامع‌تری را در معرض دید مخاطبان غیرایرانی خود بگذارد. «کارستان» مجموعه فیلم‌های مستندی است از زندگی‌های الهام‌بخش زنان و مردانی که در روایتی با جانش‌های بسیار توانسته‌اند معنای کار را حرمت بخشدن و انتقال دانش و تجربه‌هایشان الگوهای بالارزشی برای کل جامعه، به‌خصوص جوانان باشد که طراحی، برنامه‌ریزی و تولید آن در بخش خصوصی از سال ۱۳۹۳ آغاز شده و تا به‌حال شش مستند از این مجموعه به نمایش درآمده است.